فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دهم، شماره چهارم (پیاپی ۳۸)، زمستان ۱۴۰۰
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
صفحات ۹۰-۶۷

قابلیت‌ها و سرمایه‌های مؤثر در توسعه کارآفرینی و فقرزدایی روستایی مورد: شهرستان گلپایگان

ابوالفضل خسروی*؛ استادیار بخش تخصصی مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.
محمد رضا فتحی؛ استادیار بخش تخصصی مدیریت صنعتی و فناوری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.
جابر یاوری؛ کارشناس ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه پیام‌نور، مرکزخمین، ایران.
گیتی صلاحی‌اصفهانی؛ عضو هیات علمی دانشگاه پیام‌نور، مرکز ساوه، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۱۷

چکیده

با توجه به وضعیت بیکاری جوانان در روستاهای کشور و نیز واقعیت وجود قابلیت‌ها و ظرفیت‌های انسانی و مادی فراوان در مناطق روستایی، ضرورت اتخاذ تصمیم‌های لازم برای توسعه خوداشتغالی و بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در این مناطق احساس می‌شود. این پژوهش به دنبال آن است تا به بررسی نقش قابلیت‌های کارآفرینی و سرمایه نهادی در رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی و فقرزدایی در بین جوانان روستایی و به خصوص در دهستان‌های شهرستان گلپایگان بپردازد. در واقع می‌توان با بررسی دلایل مختلف و نیز بررسی نگرش جوانان روستا به قابلیت‌های موجود در رابطه با کارآفرینی و نیز تقویت آن در ذهن ایشان قدمی در راستای رشد و شکوفایی روستا برداشت. از طریق کارآفرینی روستایی به ویژه در بخش کشاورزی، می‌توان با شناسایی سرمایه‌های نهادی و نیز قابلیت‌های موجود در جوامع روستایی، با رشد کارآفرینی روستایی و تقویت و گسترش آنچه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی در کنار سایر ابعاد کمک کرد و بر این اساس، پرسش کلیدی عبارت است از آنکه "آیا سرمایه‌های نهادی و قابلیت‌های کارآفرینی بر رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی و نیز فقر زدایی روستایی تاثیرگذار است یا خیر؟"بدین منظور، پژوهش حاضر با استفاده از روش پیمایشی و توصیفی و از نظر مبنای هدف نیز از روش کاربردی به بررسی این تاثیرات می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که به دلیل وجود آب و هوا و نیز خاک مناسب و همین‌طور نیروی انسانی کافی در دهستان‌های شهرستان گلپایگان، در اکثریت موارد این سرمایه‌ها و قابلیت‌ها در کارآفرینی کشاورزی و نیز فقرزدایی روستایی تأثیرات به سزایی خواهد داشت و نیاز هر چه بیشتر به تقویت آنها در بخش کشاورزی دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: قابلیت های کارآفرینی، کارآفرینی کشاورزی، فقرزدایی روستایی، گلپایگان.

* khosravi_a@ut.ac.ir

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

۱) مقدمه

یکی از نکات قابل توجه در دهه‌های اخیر در مورد روستاها، رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی در این مناطق بوده است. در دوره‌های اخیر مشخص شده است که کارآفرینی کشاورزان (که توسط بنگاه‌های اقتصادی تازه تاسیس اندازه گیری شده است) بر حل اختلافات و کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه تأثیر مثبت گذاشته است (بروتون و دیگران، ۲۰۱۳ ؛ هوانگ و دیگران، ۲۰۱۴ ؛ توبیاس و همکاران، ۲۰۱۳). به عنوان مثال، طبق گفته فیتز کوچ و همکاران. (۲۰۱۸) ، به دلیل فرصت‌های امیدوارکننده‌ای که در تحلیل‌های نظری و تجربی تحقیقات کارآفرینی داشته است، کارآفرینی در بخش کشاورزی باید بسیار مورد توجه قرار گیرد. کارتر و همکاران (۲۰۱۷) همچنین تأکید کردند که تحقیقات کارآفرینی کشاورزان باید بیشتر بر روی فعالیت‌های خانگی افراد و جوامع آنها تمرکز کند. رشد کمی کارآفرینی کشاورزان به تعداد کشاورزان کارآفرین و همچنین تعداد بنگاه‌های اقتصادی تأسیس شده در روستا اشاره دارد. رشد کیفی کارآفرینی کشاورزان به چگونگی استفاده از عواید حاصل از کارآفرینی کشاورزان برای سودآوری افراد، خانوارها و جوامع اشاره دارد. بنابراین کیفیت رشد کارآفرینی کشاورزان به نوع خدماتی که کارآفرینان به جامعه ارائه می دهند نسبت داده می شود. از دیگر موارد مورد توجه در مطالعات روستاها مساله فقر و فقر زدایی بوده که در چین، مطالعات نشان می دهد فقرا بیشتر در مناطق روستایی قرار دارند و فقر در میان گروه‌های اقلیت قومی بیشتر است. افراد فقیر با محرومیت شدید اجتماعی و فقدان توانایی های انسانی برای دسترسی به فرصت‌های شغلی در محل زندگی مشخص می شوند. فقر روستایی RP همچنین ممکن است به دلیل توسعه زیرساخت های محدود در آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، دسترسی به جاده‌ها، آب آشامیدنی و برق در مناطق محروم و کوهستانی در چین پایدار باشد (او و همکاران، ۲۰۱۸ ؛ تورتاژادا، ۲۰۱۶ ؛ وان و ژانگ، ۲۰۱۸). به گفته او و همکاران (۲۰۱۸) در رابطه با دو مطلب یاد شده (رشد کارآفرینی کشاورزی و فقرزدایی روستایی) دو عامل می توانند تاثیرات به سزای بر آنها داشته باشند. اولین مطلب در این رابطه سرمایه‌های نهادی را می توان نام برد. چندین عامل سرمایه نقش بسزایی در توسعه کارآفرینی روستایی دارند. کسب سرمایه برای روستاییان کارآفرین یک چالش است و آنها با موانع زیادی روبرو هستند، از جمله نابرابری معیشتی، عدم اعتماد به نفس، عدم حمایت ارگان‌های دولتی، شبکه‌های تجاری ضعیف و سهل‌انگاری روستاییان کارآفرین در این صنعت میباشد.(تئو و چونگ، ۲۰۱۴). نظریه دیدگاه مبتنی بر منابع که برای اولین بار در مطالعه ورنرفلت (۱۹۸۴) پدیدار شد، براساس این استدلال کارآفرینانی که به فعالیت‌های کارآفرینی می پردازند و نیاز به کسب سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، نهادی و مالی دارند، مورد بررسی و استفاده قرار گرفت. این نظریه نشان می دهد که عوامل ومنابع، حوزه‌های مفهومی مهمی هستند که ماهیت، توسعه و پیشرفت جامعه اقتصادی کارآفرینی را توضیح می دهند (وست و بامفورد، ۲۰۰۵). ازجمله سرمایه‌های نهادی که در ادامه نیز به آنها پرداخته خواهد شد می توان به سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و مالی اشاره کرد. دومین عامل که می‌توان از آن به عنوان عاملی موثر بر رشد کارآفرینی کشاورزی و فقرزدایی روستایی نام برد "توجه به قابلیت های کارآفرینی است. علل فقر روستایی می تواند متنوع و گسترده باشد، اما بسیاری از محققان

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

این علت را فقدان قابلیت و توانایی‌های اساسی انسانی برای تبدیل فرصت‌های افراد "باهوش" (کارآفرینان) به مشاغل سودآور می دانند. رویکرد قابلیت‌ها (CA) توسط سن (۱۹۸۱) توسعه داده شد و به دنبال اندازه گیری رفاه انسان از منظر گسترش توانایی‌های مردم و نه فقط به حداکثر رساندن سودمندی یا درآمد است. رویکرد قابلیت‌ها CA به طور عمده بر عملکردها یا شرایط زندگی افراد متمرکز است و آنها را چنین تعریف می کند: "آنچه مردم می توانند انجام دهند یا نمی توانند انجام دهند، یا آنچه که می توانند باشند یا نمی توانند باشند" (سن، ۱۹۸۵). قابلیت‌ها را می‌توان در سه دسته مجزا دسته بندی کرد که در ادامه به شکل مفصل در مورد هریک توضیحاتی آورده خواهد شد. سه دسته قابلیت‌های کارآفرینی شامل قابلیت‌های تحصیلی، قابلیت‌های اقتصادی و قابلیت‌های اجتماعی می‌شود.

۲) مبانی نظری

کارافرینی کشاورزی

امروزه، برنامه‌ریزان از جمله اقتصاددانان برنامه‌ریز روستایی بدین نتیجه رسیده‌اند که تشویق روستاییان برای گرایش به کارهای تجاری خانگی به شیوهٔ کارآفرینی، مناسب‌ترین راهبرد برای پاسخگویی به چالش‌های به ویژه اقتصادی در مناطق روستایی است. برحسب منابع و فرصت‌های موجود در محیط‌های روستایی (بالقوه و بالفعل و نیز نرم‌افزاری و سخت‌افزاری) این محیط‌ها اهداف توسعه و به ویژه توسعهٔ اقتصادی در این جوامع را هدایت می کنند. رشد کمی کارآفرینی کشاورزان به تعداد کشاورزان کارآفرین و همچنین تعداد بنگاه‌های اقتصادی تأسیس شده در روستا اشاره دارد. رشد کیفی کارآفرینی کشاورزان به چگونگی استفاده از عواید حاصل از کارآفرینی کشاورزان برای سودآوری افراد، خانوارها و جوامع اشاره دارد. بنابراین کیفیت رشد کارآفرینی کشاورزان به نوع خدماتی که کارآفرینان روستایی به جامعه ارائه می دهند نسبت داده می شود. وقتی کارآفرینان روستایی به جوامع خود باز می-گردند، این امر به بهبود شرایط زندگی کل جامعه کمک می کند. به عنوان مثال، لی و همکاران (۲۰۱۴) بررسی کرد که چگونه زمین‌های جامعه محور به حمایت از روستاهای کشاورزی در استان هنان چین کمک می کند. آنها دریافتند که از طریق شیوه های کاری مبتنی بر جامعه، شرایط زندگی روستایی به طرز چشمگیری بهبود می یابد. (فرانسوا کنه) و(نیکلاس بودو) زمین را یگانه سرچشمهٔ ثروت می دانند و کشاورزان را کارآفرین می خوانند و برای کارآفرینان، جایگاهی ویژه قائلاند (هزارجریبی، ۱۵۴:۱۳۸۴). کارآفرینان کشاورز هر مشکل را شامل دو جزء مخاطره و فرصت می دانند و معتقدند که برای رسیدن به راه حلی مناسب، لازم است هم مخاطرات و هم فرصت‌های مسئله دقیقاً شناخته شوند و از این‌رو، نگاه آنها به مسئله هم از دیدگاه یک محقق (برای شناسایی فرصت ها) و هم از دیدگاه یک کارآگاه (برای کشف مخاطرات) است (کاین، ۲۰۰۵). البته باید در نظر داشت که کارآفرینی موفق در بخش کشاورزی مناطق روستایی مستلزم پیوند ناگسستنی با بخش صنعت و خدمات و به دیگر سخن، صنعتی شدن کشاورزی است، که میان بخش‌های صنعت و کشاورزی ارتباط‌های پیشین و پسین را نهادینه می‌کند. در واقع، توسعهٔ هر کدام از این بخش‌ها در گرو توسعهٔ بخش دیگر است، اما بدیهی است که باید توالی در

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

توسعهٔ بخش‌های اقتصادی رعایت شود؛ یعنی، باید روند توسعه از بخش کشاورزی آغاز و سپس، به بخش صنعت کشیده شود و سرانجام نیز بخش خدمات توسعه یابد، چرا که بیشتر تخصص‌ها و مهارت های فردی و اجتماعی افراد در کشورهای در حال توسعه در بخش کشاورزی تمرکز یافته است (قره باغیان، ۱۳۷۳). کارآفرینی کشاورزی شیوه ای جدید در بخش کشاورزی برای افزایش و خلق درآمد و ثروت و نیز ایجاد اشتغال است بنابراین، برای طراحی و توسعهٔ فعالیت کارآفرینی کشاورزی توسط گروه‌های محلی، مراکز روستایی ترغیب میشوند تا در برنامه های کارآفرینی، چهار مرحله را رعایت کنند (اسکات و همکاران، ۲۰۰۶):

۱ -راهبرد : پیگیری فرصت‌های اقتصادی واقعی از سوی کشاورزان و برای آنها؛

۲ -رهبری : ایجاد و پیوند ظرفیت‌های محلی با توسعهٔ کشاورزی؛

۳ -اجرا : ارزش‌آفرینی برای کارآفرینان در بخش کشاورزی؛

۴ -پایداری : تخصیص منابع به میزان مورد نیاز کشاورزان

در پرداختن به چالش‌های پیش روی رشد و توسعه اقتصادی روستایی، سیاست‌ها غالباً بر اساس برون‌زایی تقویت کسری دارایی های ادراک شده با جذب سرمایه‌گذاری از کلان شهرها بوده است. متداول‌ترین نمونه این تلاش برای جابجایی منابع به صورت منطقه‌ای، استخدام‌های صنعتی است (هوبارد و گورتون ، ۲۰۰۹ ؛ دللر ، ۲۰۱۴ ؛ پایین ، ۲۰۱۷). در حالی که استخدام صنعتی بخشی از استراتژی‌های توسعه اقتصادی روستایی و شهری بوده است، این روش ها علی رغم نتایج متفاوت، به ویژه در مناطق روستایی پابرجا بوده است. تأثیر جاذبه صنعتی از طریق معافیت مالیاتی و یارانه بر نتایج محلی در بهترین حالت قابل بحث است (کانروی و همکاران، ۲۰۱۶ ، ۲۰۱۷ ؛ میچل و همکاران، ۲۰۱۸). بعلاوه، استراتژی-های استخدام به دلیل وجود تعداد نسبتاً کمی از شرکت‌های موجود که متحرک هستند، اشتباه گرفته می‌شوند (کانروی و دللر ، ۲۰۱۵). به آهستگی، اهمیت راه‌اندازی مشاغل، غالباً در چارچوب سیاست‌های کارآفرینی، در بحث‌های گسترده‌تر سیاست توسعه روستایی آشکار می شود (مارکلی و همکاران، ۲۰۰۵ ؛ دابسون، ۲۰۰۷ ؛ گرویدل و مارکلی، ۲۰۰۹). علی رغم تغییر جهت به سمت اهمیت روزافزون کارآفرینی، بهترین روش ها برای تشویق به نوآوری، سرمایه‌گذاری و در نهایت ایجاد مشاغل جدید به ویژه در مناطق روستایی نامشخص است. مسلماً افراد با ایده - یا کسانی که استعداد، آموزش یا آموزش ابتکاری دارند – انگیزه‌ای برای نسل جدید تجارت هستند. این تعامل بین سرمایه انسانی و اجتماعی و فعالیت‌های کارآفرینی یک فضای ابتکاری ایجاد می کند که رشد و توسعه اقتصادی پایدار را در جوامع روستایی پرورش می دهد (مارکزون و دلر ، ۲۰۱۵). برخی (به عنوان مثال، اسکوراس و همکاران ، ۲۰۰۵ ؛ استوک دیل، ۲۰۰۶ ؛ کلانتریدیس و بیکا، ۲۰۰۶ ؛ کلانتریدیس، ۲۰۱۰) گفته اند که مهاجرت برای توسعه اقتصادی روستایی ضروری است. ورود افراد جدید به جامعه از طریق فرآیند مهاجرت می تواند منجر به معرفی منابع جدید در جامعه از جمله ایده های تازه، اتصال به شبکه‌های گسترده تر خارج از جامعه و رویکردهای تفکر در مورد توسعه اقتصادی جامعه و به ویژه توسعه تجارت و کارآفرینی شود (آگگن و همکاران، ۲۰۱۱ ؛ بوسورث ، ۲۰۱۰ ؛ بوسورث و آترتون ، ۲۰۱۲). محبوب‌ترین استراتژی‌های توسعه برون

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

زا، تلاش برای جذب صنعتی است که تلاش می کند شرکت‌ها را با استفاده از انواع انگیزه‌های مالی مستقیم و غیرمستقیم به مکان های جدید جلب کند (هوبارد و گورتون ، ۲۰۰۹؛ دلر ، ۲۰۱۴؛ لوو، ۲۰۱۷). در حالی که جاذبه صنعتی مشخصه تلاش‌های توسعه اقتصادی در سرتاسر شهر و روستا است، اما به ویژه در مناطق غیرشهری همچنان گسترده است. کاهش اثر جاذبه صنعتی و همچنین عدم موفقیت در سایر استراتژی‌های توسعه روستایی، تغییر تدریجی به تلاش‌های درون زا را که موجب رشد روستایی می شوند، تشویق کرده است. استراتژی‌های توسعه درون زا بیش از آنکه به منابع خارجی وابسته باشند ، به استفاده از نقاط قوت، دانش و تخصص متکی هستند. این رویکردهای مبتنی بر دارایی ریشه در اشکال مختلف سرمایه محلی طبیعی، انسانی، اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه‌ای دارد که زمینه رشد را ایجاد می کند (فرانسیس و هندرسون ، ۱۹۹۴ ؛ پورتر و همکاران ، ۲۰۰۴ ؛ امری و فلورا ، ۲۰۰۶) . در واقع، یازدهمین کنفرانس توسعه روستایی OECD بیشتر بر اهمیت استفاده از دارایی‌های منطقه‌ای به عنوان وسیله ای برای تشویق توسعه اقتصادی روستایی تأکید کرد (OECD، ۲۰۱۹). این تأکید بر دارایی‌های محلی، علاوه بر شواهدی که نشان می دهد شرکت‌های جدید رشد می کنند، بسیاری از محققان و سیاست گذاران را واداشته استدلال کنند که کارآفرینی باید به عنوان یک استراتژی توسعه اقتصادی روستایی مورد تأکید قرار گیرد (درابنستوت ، ۲۰۰۱؛ دابسون ، ۲۰۰۷؛ اولفرت و کبک ، ۲۰۱۰ ؛ لیون ، ۲۰۱۵). علی رغم تأکید روزافزون بر کارآفرینی روستایی، توانایی واقعی تلاش‌های توسعه کارآفرینی برای تحریک رشد مداوم روستایی همچنان نامشخص است (روو و همکاران ، ۱۹۹۹ ؛ استوکدیل ، ۲۰۰۶ ؛ مک گراناهان و همکاران ، ۲۰۱۱). این عدم اطمینان تعجب آور نیست زیرا اجرای یک مدل غیر سنتی جدید برای توسعه اقتصادی محلی می تواند چالش برانگیز باشد. توسعه‌دهندگان سنتی توسعه اقتصادی روستایی ممکن است نحوه استفاده از نیروها، حمایت یا پرورش متصدیان را درک نکنند (مارکلی و همکاران ، ۲۰۰۵). علاوه بر این، فشار سیاسی، کاهش دید و از دست دادن بودجه، نگرانی سازمان‌ها و مقامات منتخب است که رویکرد جدیدی را در نظر می گیرند (هارت، ۲۰۰۸). براساس تئوری نهادی، عوامل نهادی هم بر اقتصاد کشور و فضای کسب‌وکار جامعه و هم بر تصمیم‌گیری‌های کلان، تأمین منابع سازمان، حفظ مشروعیت سازمان و انتخاب استراتژی در شرکت‌ها و سازمان‌ها تأثیر می‌گذارند. این اثرگذاری گاهی به صورت آشکار، رسمی و قانونی و گاهی در چارچوب شبکه‌های غیررسمی و غیرآشکار انجام می‌گیرد . فعالیت اقتصادی در کشورهای درحال توسعه، تا حدود زیادی متأثر از این عوامل است و آشنایی با این عوامل نقش عمده ای در تبیین محیط کسب‌وکار خواهد داشت (حسینی و همکاران،۱۳۹۲). نکته مهم دیگری که پرداختن به آن با تأکید بر زوایای گوناگون ضرورت دارد این است که نظام اداری در کشورهای در حال توسعه، به علت عدم تعیین کمیت و کیفیت نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عاری از معیارهای مناسب اجتماعی، اقتصادی و ... بوده و نتیجه چنین کمبودهایی عدم موفقیت این نظام در بکارگیری همه امکانات دستگاههای اجرایی و قوانین و مقررات به‌صورت مجموعه‌ای هماهنگ و جهت‌دار در خدمت اهداف جامعه خواهند بود (باقری، ۱۳۸۷). استفاده از دانش و داده‌های فنی به وسیله کارشناسان ترویج می‌تواند نقشی کلیدی و مهم در بهبود

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

کارایی و بهره‌برداری مناسب از عوامل تولید ایفا کند. ترویج از راه ارتقاء سطح دانش و مهارت‌های کشاورزان در توسعه کشاورزی می‌تواند مؤثر باشد (خنجری و همکاران،۱۳۸۷). وجود انواع مخاطرات طبیعی و غیرطبیعی فعالیت‌های کشاورزی باعث شده تولیدکنندگان محصولات کشاورزی با شرایط ناطمئنی روبه‌رو باشند و درنتیجه، درآمد آن‌ها از تولیدات کشاورزی با بی‌ثباتی همراه باشد (ری۱۹۶۷،[1]). دامنه‌ای گسترده از ریسک‌ها در درآمد بدست آمده از تولیدات کشاورزی تأثیرگذار است. از جمله این ریسک‌ها می‌توان به ریسک تولید، قیمت یا بازار، ریسک مالی و ریسک انسانی اشاره کرد. نقش و اهمیت هریک از این منابع ریسک در هر منطقه با توجه به شرایط زمانی و مکانی و سیاست‌های دولت متفاوت است. باوجود این، دو ریسک قیمت و تولید از رایج‌ترین ریسک‌هاست. تعریف هریک از ریسک‌ها به این شرح است (بیلزا[2] و همکاران، ۲۰۰۸). بازار مالی کشاورزی به سبب نقشی مؤثر که در تأمین منابع مالی و سرمایه مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری و توسعه بخش کشاورزی دارد، از اهمیتی درخور توجه برخوردار است. وجود یک بازار مالی کارآمد که نیازهای مالی کشاورزان را با هزینه مبادله نسبتاً پایینی تأمین کند، ازجمله پیش‌نیازهای بنیادی توسعه بخش کشاورزی بشمار می‌رود (عبدالهی، ۱۳۸۵). تأمین آب، برق، ارتباطات، بهداشت، حمل‌ونقل و ... بخش‌هایی گوناگون از وظایف سخت‌افزاری دولت‌ها هستند. بدیهی است کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری در جامعه‌ای که فاقد استانداردهای لازم در این امور باشد، حتی با فرض وجود قوانین مناسب و امنیت حقوق مالکیت و ثبات سیاسی، چندان جذاب و نتیجه‌بخش نیست (حسین زاده بحرینی و ملک‌الساداتی،۱۳۹۰). با توجه به نقش روزافزون فناوری‌های نوین در بهبود و ایجاد ارزش افزوده بالاتر در تولید و فرایند طولانی‌مدت تبدیل ایده‌های پژوهشی به روش‌های مطمئن اقتصادی، تردیدی باقی نمی ماند که تنها راه حل عملی جبران عقب‌ماندگی یک کشور یا یک بنگاه اقتصادی، اقدام به استفاده از تجارب موفق دیگران در عرصه‌های نوین است، چنانچه این تجربه و فناوری به درستی انجام شود و در پایان آن، فراگیران توانایی بهبود بخشیدن فناوری‌های فراگرفته را دارا باشند، آن‌گاه انتقال فناوری واقعی روی داده است (کاپون و گلازر، ۱۹۸۷). اهمیت شناسایی ساختار بازار محصولات و بازاریابی آن به حدی است که می‌توان آن را به اندازه اهمیت تولید محصول دانست. به گونه‌ای‌که در دنیای امروزی با توجه به مشکل تقاضا برای محصولات، بدون شناسایی و اطمینان از وجود بازار یک محصول، تولید آن مفهومی نخواهد داشت. لذا لازم است پیش از هرگونه اقدامی برای تولید و هم‌چنین، سیاست‌گذاری ساختار کلی بازاریابی محصول مربوط شناسایی و درجهت تحقق اهداف مورد نظر برنامه‌ریزی کرد (کاظم نژاد و همکاران،۱۳۸۳). طبق گفته فیتز کوچ و همکاران (۲۰۱۸) ، به دلیل فرصت های امیدوارکننده ای که در تحلیل‌های نظری و تجربی تحقیقات کارآفرینی داشته است، کارآفرینی در بخش کشاورزی باید بسیار مورد توجه قرار گیرد. کارتر و همکاران (۲۰۱۷) همچنین تأکید کرد که تحقیقات کارآفرینی کشاورزان باید بیشتر بر روی فعالیت‌های خانگی افراد و جوامع آنها تمرکز کند. در مفهوم‌سازی کشاورزان به عنوان کارآفرین، دیگر کشاورزی به عنوان یک روش زندگی در نظر گرفته نمی شود بلکه یک شرکت تجاری است که می تواند شرایط زندگی روستایی را تغییر دهد. کشاورزی که علاوه بر کار اصلی در مزرعه، مشاغلی را شروع می‌کند، جایی که فعالیت‌ها با فعالیت‌های سنتی زراعی، کشت

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

زمین، پرورش محصول و پرورش دام به عنوان منبع اصلی درآمد و امرار معاش متفاوت است. کارآفرین (مک الوی ، ۲۰۰۴). باتوجه به بسیاری از مطالعات در مورد کارآفرینی به عنوان یک رشته دانشگاهی (شین و ونکاتارامان، ۲۰۰۰ ؛ والتر و بلوک، ۲۰۱۶)، تحقیقات درباره کارآفرینی کشاورزان هنوز برای بسیاری از محققان تا حد زیادی جدید است. به عنوان یک مفهوم نسبتاً جدید، کارآفرینی کشاورزان تعاریف مختلفی دارد.

فقرزدایی روستایی

سال‌های اخیر شاهد افزایش علاقه به یافتن مداخله ای پایدار در کاهش فقر روستایی (RP) در کشورهای در حال توسعه و کارآفرینی بوده است که به عنوان یکی از مهمترین عوامل رشد اقتصادی در بسیاری از کشورها در نظر گرفته شده است (اسز و همکاران، ۲۰۰۵) ؛ گومز-گراس و همکاران، ۲۰۱۰ ؛ سونکه و همکاران، ۲۰۱۳ ؛ شین و ومکاتارامان ، ۲۰۰۰ ؛ توریک و همکاران، ۲۰۰۸) و به نظر می رسد بر کاهش فقر و توسعه پایدار تأثیر مثبت گذاشته است (دهری و عمری، ۲۰۱۸؛ یانا و همکاران، ۲۰۱۳). کارآفرینی اغلب برای افزایش بازده و کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه بخشی جدایی ناپذیر از بخش کشاورزی بوده است (ون رویان، ۲۰۱۴). در همین حال، در دوره‌های اخیر مشخص شده است که کارآفرینی کشاورزان بر حل اختلافات و کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه تأثیر مثبت گذاشته است (بروتون و دیگران، ۲۰۱۳ ؛ هوانگ و دیگران، ۲۰۱۴ ؛ توبیاس و همکاران، ۲۰۱۳). فقر روستایی RP یک پدیده چند بعدی است و با استفاده از یک استراتژی حل نمی شود. فقر روستایی RP نه تنها فقر درآمد بلکه دسترسی محدود به آموزش با کیفیت، مراقبت‌های بهداشتی، آب آشامیدنی و تأمین انرژی را شامل می شود. در همین حال، از کارآفرینی به عنوان ابزاری برای تقویت رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه استفاده می شود که می تواند بر کاهش فقر تأثیر بگذارد (بروتون و همکاران، ۲۰۱۳). در دوره‌های اخیر، کارآفرینی به عنوان راهی برای کاهش فقر و درگیری در کشورهای در حال توسعه تلقی می شود (بروتون و همکاران ، ۲۰۱۳ ؛ ساتر و همکاران ، ۲۰۱۸ ؛ توبیاس و همکاران ، ۲۰۱۳). در چین، مطالعات نشان می دهد که فقرا بیشتر در مناطق روستایی قرار دارند و فقر در میان گروه‌های اقلیت قومی بیشتر است. افراد فقیر با محرومیت شدید اجتماعی و فقدان توانایی‌های انسانی برای دسترسی به فرصت‌های شغلی در محل زندگی مشخص می شوند (او و همکاران، ۲۰۱۸ ؛ تورتاژادا ۲۰۱۶ ؛ وان و ژانگ ، ۲۰۱۸). به گفته او و همکاران (۲۰۱۸) ، عدم توسعه زیرساختی بهینه در شهرهای کوهستانی در جنوب غربی چین عملکرد اقتصادی را طی سالیان متمادی تحت تأثیر قرار داده است. مهاجرت جوانان از جوامع روستایی به شهرهای بزرگتر در جستجوی مشاغل با درآمد بیشتر نیز مورد انتظار است که منجر به کمبود توسعه سرمایه انسانی و منابع کمتری برای سرمایه گذاری می شود (منگ و ژائو ، ۲۰۱۷). به عنوان یک مفهوم چند بعدی (چودوری و موخوپادایا، ۲۰۱۲؛ راولیون ، ۲۰۱۱) ، فقر به شرایطی تلقی می شود که در آن مردم از نظر اقتصادی، فرهنگی ، آموزشی و زیست محیطی در معرض آسیب قرار دارند. رونتره (۱۹۰۱) فقرا را افرادی تعریف می کند که هزینه درآمد روزانه به زیر مبلغ

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

هفتگی محاسبه شده مورد نیاز برای تأمین نیازهای زندگی سالم خانواده هایشان کاهش یافت. هانتر (۱۹۰۴) ، که همچنین در ایالات متحده آمریکا به مطالعه فقر پرداخت، اظهار داشت که بیش از ۱۰ میلیون نفر در آمریکا در فقر زندگی می کنند و سعی در تعریف و اندازه گیری فقر دارد. تحقیقات معنای فقر را گسترش داده و شامل عوامل غیر درآمدی مورد نیاز برای حفظ حداقل سطح زندگی است. چند بعدی بودن فقر دیگر قابل بحث نیست (آبرژ و براندولینی، ۲۰۱۵) اما مفهومی است که شامل نظریه توانایی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی. تبق می (۱۹۹۹) ، فقر، ناتوانی افراد ، خانوارها یا کل جامعه در امر تأمین منابع کافی برای تأمین حداقل استاندارد زندگی قابل قبول از نظر اجتماعی است. فقر همچنین به فقدان توانایی ها یا استعداد های انسانی برای اطمینان از آزادی اشاره دارد و عدالت حاصل می شود (سن، ۱۹۸۱). تحت شرایط عادی جدید، کارآفرینی کشاورزان استراتژی جدیدی است که به منظور پیشبرد شهرنشینی روستاها، احیای مجدد اقتصاد روستایی و حل فقر است. دلیل این امر این است که مشخص شده است که کارآفرینی کشاورزان قادر است صنعت سازی روستایی را به طور مؤثر تحریک کند، زیرا قادر است به کشاورزان در افزایش درآمد و بهبود سطح زندگی خود کمک کند. بنابراین کشاورزان درگیر در فعالیت‌های کارآفرینی سریعتر از کارآفرینان غیرکشاورزی در کشورهای در حال توسعه بر فقر روستایی RP غلبه می‌کنند (ناگلر و نادو، ۲۰۱۷). ساکسنا (۲۰۱۲) اظهار داشت که کارآفرینی کشاورزان در هند نقش اساسی در افزایش درآمد سرانه از طریق ایجاد مشاغل روستایی دارد. این مطالعه نشان داد که کارآفرینی کشاورزان به دستیابی به بهره وری بیشتر در مشاغل مزرعه ای و غیر مزرعه ای کمک کرده و به کاهش مهاجرت جوانان از مناطق روستایی به مراکز شهری کمک کرده است. علل فقر روستایی RP می‌تواند متنوع و گسترده باشد، اما بسیاری از محققان علت فقر روستایی RP را فقدان توانایی‌های اساسی انسانی برای تبدیل فرصت‌های افراد "باهوش" به مشاغل سودآور می‌دانند. رویکرد قابلیت‌ها CA توسط سن (۱۹۸۱) توسعه داده شد و به دنبال اندازه‌گیری رفاه انسان از منظر گسترش توانایی‌های مردم و نه فقط به حداکثر رساندن سودمندی یا درآمد است. رویکرد قابلیت‌ها CA به طور عمده بر عملکردها یا شرایط زندگی افراد متمرکز است و آنها را چنین تعریف می‌کند: "آنچه مردم می توانند انجام دهند یا نمی‌توانند انجام دهند، یا آنچه که می‌توانند یا نمی‌توانند باشند" (سن، ۱۹۸۵). این مربوط به توانایی افراد در دستیابی به آزادی توسعه است. از زمان ورود آن به تحقیقات اصلی به عنوان روشی برای اندازه گیری فقر، نابرابری و توزیع عدالت در نظریه اجتماعی، سازمان ملل آن را برای گزارش‌های سالانه توسعه انسانی تصویب کرده است. (HDR) از سال ۱۹۹۰ (UNDP، ۲۰۱۰). چوپان (۲۰۱۵) نیاز به کشف فرصت‌های کارآفرینی را شناسایی می کند که براساس شناسایی توانایی‌های افراد برای ایجاد مشاغل برای کاهش فقر است. گریکو و همکاران (۲۰۱۵) یک مداخله مشارکتی مبتنی بر جامعه را ارزیابی کرد که سعی در بهبود سلامت مادران در روستاهای مالاوی با استفاده از رویکرد قابلیت-ها CA داشت. آنها دریافتند که کیفیت زندگی زنان روستایی توسط روابط اجتماعی و هنجارهای جامعه شکل می گیرد. بین کارآفرینی و کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه یک پیوند قوی در حال تحول وجود دارد (مارتینز و همکاران، ۲۰۱۵؛ نگواسونگ و کیمبو، ۲۰۱۶).

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

سرمایه‌های نهادی

سرمایه انسانی

نظریه دیدگاه مبتنی بر منابع که برای اولین بار در مطالعه ورنرفلت (۱۹۸۴) پدیدار شد و براساس این استدلال که کارآفرینانی که به فعالیت‌های کارآفرینی می‌پردازند، نیاز به کسب سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، نهادی و مالی دارند، مورد بررسی و استفاده قرار گرفت. . این نظریه نشان می دهد که عوامل منابع حوزه‌های مفهومی مهمی هستند که ماهیت، توسعه و پیشرفت جامعه اقتصادی کارآفرینی را توضیح می دهند (وست و بامفورد، ۲۰۰۵). کسب منابع همچنین برای شرکت‌ها برای ایجاد توانایی‌های متمایز و تکرار نشدنی خود برای زنده ماندن، رقابت و کسب موفقیت برتری رقابتی نسبت به رقبا در شرایط سریع تغییر تجارت ضروری است (ورنرفلت، ۱۹۸۴). سرمایه انسانی و اجتماعی از عوامل سرمایه درونی می باشد که در کارآفرینی روستایی نهفته است. سرمایه انسانی منابع وابسته به فرد (در گروه‌های انسانی) است، در حالی که سرمایه اجتماعی را می توان در پیوندها (روابط) بین افراد / بازیگران یافت (وستلوند و بولتون، ۲۰۰۳). سرمایه انسانی به مهارت‌ها، دانش و توانایی‌های افراد گفته می شود که آنها را تحت تأثیر قرار می دهد تا به روشی بدیع فکر کنند و عمل کنند (کلمن، ۱۹۸۸). سرمایه انسانی یک عامل اصلی است که بر روند کارآفرینی تأثیر می گذارد، زیرا می تواند توانایی انجام کارهای کارآفرینی را افزایش دهد، از فرصت‌های بالقوه بهره‌برداری کند، منابع دیگری مانند سرمایه مالی و جسمی را به دست آورد و در جمع‌آوری دانش و مهارت کمک کند (برس و همکاران ، ۲۰۰۱). سرمایه انسانی با افزایش سن افزایش می یابد زیرا هرچه افراد پیرتر می‌شوند، تجربه، دانش و مهارت بیشتری کسب می کنند. مطالعات نشان می دهد که رابطه بین سن و کارآفرینی در سنین بین ۳۷ تا اواخر ۴۰ سالگی به اوج خود می‌رسد (دومز، لوئیس و راب، ۲۰۱۰).

سرمایه اجتماعی

در زمینه کارآفرینی، سرمایه اجتماعی به روابط بین فردی و همچنین منابع نهفته در چنین روابطی اشاره دارد (برت ، ۱۹۹۲). مک فادین و کانلا (۲۰۰۴) اظهار داشتند که سرمایه اجتماعی متشکل از ابعاد قدرت و روابط ساختاری است که با هم ارتباط دارند، زیرا افراد با رابطه مستقیم با شرکا احتمالاً فرصت-هایی برای دستیابی به منابع کسب می کنند ، در حالی که قدرت روابط به ایجاد منابع مشترک کمک می کند. قدرت سرمایه اجتماعی نشان می دهد که فرد تا چه اندازه شرکای تبادل خود را می شناسد و در مورد تجارب، هنجارها، مجازات ها، تعهدات و انتظارات مشترک (مک فادین و کانلا، ۲۰۰۴)، که از روابط درون جامعه ناشی می شود یا در میان اعضای یک خانواده رخ می دهد آگاهی دارد، در حالی که روابط ضعیف افراد از روابط ضعیف بین جامعه ناشی می شود. هر دو پیوند برای تضمین کارآیی سرمایه اجتماعی ضروری هستند (وولکاک و نارایان، ۲۰۰۰). بعد دیگر سرمایه اجتماعی، بعد ساختاری یا میزان پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم افراد در بین اعضای یک شبکه است (ناهاپیت و غشال، ۱۹۹۸). سرمایه اجتماعی به عنوان یک منبع حیاتی حمایت از زنان روستایی، برای انجام فعالیت‌های کارآفرینی عمل می

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

کند. مسئله احیای مناطق روستایی و پیرامونی از طریق ارتقا کارآفرینی توجه قابل توجهی را به خود جلب کرده است (آن، ۲۰۰۰؛ بنیورث، ۲۰۰۴ ؛ پتروف ، ۲۰۰۸). مطالعات به کمبود مطالعات کارآفرینی در مناطق پریشان اشاره دارد، اما همچنین مشاهده می‌کند که مناطق با سواد از نظر سرمایه اجتماعی غنی هستند (پردو و کریسمن، ۲۰۱۰). دارایی‌های سرزمینی به شکل سرمایه اجتماعی با کمک به کارآفرینان برای غلبه بر محدودیت منابع محدود ، ممکن است به عنوان محرک های منطقه ای برای اهداف کارآفرینی بسیج شوند (شوئر بائرن ، فالک، و هبلیخ، ۲۰۱۰). زندگی مشارکتی تا حد زیادی از طریق مشارکت بسیج تحقق می یابد و حوزه‌های عمومی و خصوصی تار می شوند (دالتون و اونگ ، ۲۰۰۵). سرمایه اجتماعی می تواند ماهیت روابط بازار یک منطقه را تنظیم کند (آدلر و کوون، ۲۰۰۲). در ادبیات کاربردی جغرافیا، شبکه‌های اجتماعی دارای دو بعد مهم مکانی هستند. اولاً ، ممکن است در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی از سطح خانوار یا شرکت تا سطح ملی بیان شود. دوم، آنها تمایل دارند به صورت گره‌ای منعکس کننده ناهمواری فضایی جریان اطلاعات شوند (باسلت و زینگ، ۲۰۱۲؛ باتون، ۲۰۱۲). در سطح کلان، هوگو و استول (۲۰۰۳) پیشنهاد می کنند که نهادهای سیاسی از طریق ارائه قوانین رسمی و غیررسمی بر تعاملات روزمره افراد تأثیر بگذارند. موسسات به ایجاد تنظیمات با کارآفرینان نوپا کمک می کنند با تشویق به تعاملات بین افرادی که در غیر این صورت چنین کاری نمی کنند، به دانش پراکنده دسترسی پیدا کنند. مایر، شیلر و ریویلا دیز (۲۰۱۲) مشاهده کردند که موسسات نقش مهمی در شکل‌گیری روابط بازار بین کشورهای در حال گذار مانند چین دارند. ترتیبات نهادی می توانند سرمایه اجتماعی را از طریق تأثیر آنها بر اعتماد و تقسیم منابع تسهیل یا از کار بیندازند (روتشتاین و استول، ۲۰۰۲) و بنابراین به ساختار هنجارهای مشارکت کمک می کنند (مورفی، ۲۰۰۶). برت (۲۰۰۱) خاطر نشان کرد که با بسته شدن شبکه‌ها، کیفیت اطلاعات و منابع بدتر می شود. شبکه‌های بسته شرکت‌ها و افراد را از توسعه زنجیره‌های تأمین منطقه‌ای و بین المللی و بازارها باز می دارد. اتصالات محلی بیش از حد جاسازی شده همچنین قفل سازمانی و سکون سازمانی را ایجاد می‌کند که منجر به سطح پایین‌تری از نوآوری می‌شود. اعتماد بیشتر روستاییان به شبکه‌های خانوادگی و پیوند سرمایه اجتماعی ممکن است شناسایی آنها در فرصت‌های کارآفرینی را محدود کند (هانسون و بلیک ، ۲۰۰۹). اکلیندر-فریک، اریکسون و هالن (۲۰۱۱) اظهار داشتند که روابط بسیار زیاد شخصی مانع از گشودن افراد در برابر ایده‌های جدید و ایجاد روابط جدید می شود. در نتیجه شبکه‌های بسته بر سطح کارآفرینی تأثیر منفی می گذارند. علی رغم فقدان یک تعریف ثابت، در بین محققان اتفاق نظر وجود دارد که در سطح عمومی، مفهوم سرمایه اجتماعی به طور گسترده به منابع تعبیه شده در شبکه‌ها اطلاق می شود که می‌توانند از طریق تعاملات اجتماعی که منجر به منافع بالقوه ای برای هم بازیگران فردی و هم جمعی می شود، بسیج شوند (برونی ، ۲۰۰۹). سرمایه وثیقه صفتی از شبکه‌های اجتماعی همگن در نظر گرفته می‌شود و همچنین با روابط قابل اعتماد اما درون گرایی همراه است که ممکن است رفتار و جریان اطلاعات را محدود کند. در مقابل، پل ارتباطی شامل روابط ظاهری است که افراد با زمینه‌های مختلف اجتماعی-جمعیتی و هویت‌های اجتماعی را به هم متصل می‌کند و بنابراین دسترسی حیاتی به اطلاعات

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

و منابع جدید را در اختیار شرکت‌های اجتماعی روستایی قرار می‌دهد (گرانووتر، ۱۹۷۳ ؛ پورتینگا، ۲۰۱۲))پیوند سرمایه را می‌توان نوعی خاص از پل دانست. مانند سرمایه پل افقی، این سرمایه همچنین "گروه‌های مختلف را کاهش می‌دهد" (فرلاندر، ۲۰۰۷) اما افراد را از طریق سطوح مختلف قدرت به طور عمودی متصل می‌کند (سزریتر و ولکاک، ۲۰۰۴). این پیوندهای عمودی می‌تواند به کارآفرینان اجتماعی روستایی کمک کند تا از منابع و اطلاعات جوامع روستایی استفاده کنند. با این حال، توجه به این نکته مهم است که پیوند سرمایه جنبه تاریکی نیز دارد و مانند هر شکل از سرمایه اجتماعی، می‌تواند اثرات منفی داشته باشد. دسترسی ممتاز به منابع می‌تواند به عنوان مثال منجر به "تعصب، فساد و سرکوب" شود (سزریتر و ولکاک، ۲۰۰۴).

سرمایه مالی

تئوری نهادی به درجه مطابقت گروه‌ها و سازمان‌ها با قوانین و هنجارهای محیط نهادی برای تأمین موقعیت و مشروعیت خود اشاره می‌کند (اسکات ، ۲۰۰۷). سرمایه نهادی متشکل از هنجارها، ضوابط و ارزش‌های رسمی و غیررسمی حاکم بر تغییر در جامعه و اقتصاد یک کشور است (گوپتا و همکاران ، ۲۰۱۲). افراد دارای سرمایه نهادی ناکافی احتمالاً در توسعه سرمایه‌گذاری جدید با عوارضی روبرو خواهند شد (باومول و همکاران، ۲۰۰۹). سرمایه نهادی همچنین بستری را برای روستاییان فراهم می‌کند تا منابع بهتری برای کارآفرینی بدست آورند و میزان و ماهیت فعالیت کارآفرینی را تحت تأثیر قرار دهند (شیلی وهمکاران ۲۰۰۷). مطالعات قبلی وجود سرمایه مالی و ارتباط آن با فعالیت کارآفرینی، ظرفیت، تجاری سازی نوآوری، ایجاد ثروت و پایداری را تأیید کرده‌اند (اورسر و همکاران، ۲۰۰۶). سرمایه مالی به عنوان سوختی که کارآفرینی را تحریک می‌کند، به ویژه در روند اولیه شروع کار (بیگراو و همکاران ، ۲۰۰۲) عمل می کند. با این حال، تصور می‌شود که این یک مانع اصلی برای بسیاری از کارآفرینان است و به دلیل دشواری درک شده، احتمال کمتری برای درخواست بدهی دارند (فیلدن و همکاران، ۲۰۰۳). هر چهار نوع سرمایه با هم ارتباط دارند و باعث ایجاد هم‌افزایی در مرحله راه اندازی و گسترش تجارت می‌شوند. سرمایه نهادی مستقیماً به هر سه نوع دیگر سرمایه مربوط می‌شود، روابط متقابل آنها را سفت و سخت می‌کند و دسترسی سریعتر به دستیابی به چنین سرمایه ای را فراهم می‌کند. مطالعات حاکی از آن است که جوامع روستایی مکان‌هایی با سطح بالای سرمایه اجتماعی و سنت‌های حل مسأله جمعی هستند که آن‌ها را به زمینه‌ای ایده آل برای مشاغل اجتماعی تبدیل می‌کند (جک و اندرسون، ۲۰۰۲ ؛ زوگرافوس، ۲۰۰۷ ؛ فارمر و همکاران، ۲۰۰۸ ؛ مونوز و همه، ۲۰۱۵). با این حال، سطح واقعی سرمایه اجتماعی ممکن است بین مکان‌های خاص روستایی متفاوت باشد (بری تنکرو همکاران، ۲۰۱۷؛ (بری تنکر و هارمز، ۲۰۱۰). به طور کلی، اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی بدون مشکل نیست و به چالش مفهوم-پردازی مؤلفه‌ها و نتایج سرمایه اجتماعی و اختصاص آنها در سطح جمعی یا فردی نیز مربوط می‌شود (پروتس، ۱۹۹۸؛ برونئی ، ۲۰۰۹). به عنوان یک منبع سازمانی، سرمایه اجتماعی نقش مهمی در توسعه مدل‌های شرکت اجتماعی دارد (ایورز، ۲۰۰۱؛ لاویل و نیسانس، ۲۰۰۱؛ هاتاک و همکاران ،۲۰۱۶). با این

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

حال، جنبه‌های خاصی از بافت نهادی روستایی - چه از نظر نظارتی و چه از نظر اجتماعی – می‌تواند محدودیت‌های قابل توجهی در توانایی کارآفرینان اجتماعی برای پرورش نوآوری‌ها در مناطق ضعیف ساختاری ایجاد کند (به عنوان مثال فینک و همکاران، ۲۰۱۳ ؛ کیبلر و همکاران، ۲۰۱۴).

قابلیت‌های کارآفرینی

کارآفرینی راهی برای تبدیل منابع به کالاها و خدمات با ارزش تلقی می‌شود که منجر به ایجاد ثروت می‌شود. با توجه به نقش مهمی که کارآفرینی در توسعه اقتصادی ایفا کرده است، تحقیقات کارآفرینی دامنه خود را به جنبه های مختلف از جمله کارآفرینی در مناطق روستایی گسترش داده است (ورداگور و والاس، ۲۰۰۸).

قابلیت تحصیلی یا آموزشی

اول، نمی توان بیش از حد بر نقش آموزش در کمک به ترک افراد از فقر روستاییRP تأکید کرد (موهاپاترا و همکاران، ۲۰۰۷). ورهول و همکاران (۲۰۱۵) نشان می‌دهند که آموزش انباشت سرمایه انسانی را برای توسعه تسهیل می‌کند و همچنین می‌تواند منجر به بهبود بهره‌برداری‌های کارآفرینی توسط افراد شود. به گفته میهای و همکاران (۲۰۱۵) ، سطح تحصیلات و رفاه مردم با بهبود اوضاع با افزایش سطح سابق، در ارتباط است. آتریدو و هالوارد-دریمر (۲۰۱۱) با استفاده از داده‌های جنوب صحرای آفریقا شکاف جنسیتی در کارآفرینی را بررسی کردند. آنها دریافتند که آموزش با بهره وری بالاتر پیوند مثبتی دارد، که پس از آن بر کاهش فقر تأثیر می‌گذارد. گوکوالی (۲۰۱۳) دریافت که رفاه خانوارها به ویژه در مواردی که مادران دارای تحصیلات رسمی هستند، افزایش می‌یابد، با افزایش سطح تحصیلات، تأثیر آنها نیز بیشتر می‌شود.

قابلیت اقتصادی

دوم، ادبیات مربوط به رابطه بین عوامل اقتصادی و رشد کارآفرینی مثبت شناخته شده است. توانایی-های اقتصادی کارآفرینان روستایی در تعیین تأثیر فعالیت‌های مزرعه بر رفاه خانوار بسیار حیاتی است. این توانایی‌ها شامل مهارت‌های بازاریابی، استراتژی‌های مدیریت و استفاده از فناوری مدرن برای بهبود فروش است (مارتین و جاوالگی، ۲۰۱۶). ویور و همکاران (۲۰۱۴) با استفاده از ۲۶۴ داده نظرسنجی در چین، تأثیر چهار قابلیت را در مراحل فرآیند نوآوری بررسی کرد و دریافت که شرکت‌ها معمولاً برای بهبود عملکرد شرکت، نوآوری‌های مدیریتی را تسهیل می‌کنند که توسط قابلیت‌های اقتصادی و اجتماعی تسهیل می‌شود.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

۳) روش تحقیق

جامعه آماری این پژوهش کلیه کارآفرینان در دسترس دهستان‌های شهرستان گلپایگان (که دارای شرایط خاص آب و هوایی و محیط جغرافیای مناسب جهت فعالیت کشاورزی هستند) است که با استفاده از فرمول کوکران نمونه گیری انجام می‌شود. با در نظر گرفتن آنکه جامعه آماری ما نفر بوده، نمونه متناسب با آن ۱۶۲ نفر می باشد که از بین تعداد ۱۶۲ پرسشنامه‌ای که توزیع گردید، تعداد ۱۵۱ پرسشنامه کامل بوده و مابقی یا ناقص بودند و یا به دلایلی برگشت داده نشدند. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات و برای تدوین مبانی نظری و سابقه پژوهش، از روش کتابخانه‌ای و برای سنجش متغیرهای پژوهش از پرسشنامه استاندارد استفاده خواهد شد. به دلیل آنکه پرسشنامه مورد استفاده در این تحقیق استاندارد نمی باشد جهت اطمینان خاطر از روایی همچنین بومی‌سازی، این پرسشنامه در اختیار تعدادی از اساتید و فعالان بخش کارآفرینی کشاورزی قرار گرفت و پس از تغییرات جزئی ، نهایی گردیده و توزیع شده است. تعداد سوالاتی که بعد از روایی و خبره سنجی تغییر یافته‌اند ۱۵ سوال در بخش‌های مختلف است.

جدول ۱. بررسی روایی پرسشنامه

مقیاس‌ها	سوالات تغییر یافته
فقرزدایی روستایی	۱-۲-۳-۴
رشد کارافرینی کشاورزی	۷-۸-۹-۱۰-۱۲
قابلیت‌های کارآفرینی	۱۳-۱۴-۱۵-۱۷-۲۶-۲۷
سرمایه های نهادی	-
کل سوالات تغییر یافته	۱۵

در تحقیق حاضر برای سنجش پایایی پرسشنامه از روش مقیاس آلفای کرونباخ استفاده شده است. در این مرحله تعداد ۴۵ پرسشنامه برای سنجش میزان پایایی توزیع گردید سپس برای تعیین اعتبار از نرم-افزار SPSS استفاده شد که با توجه به اینکه این مقدار آلفای محاسبه شده بیشتر از (۷/ ۰) می باشد نشان می‌دهد پرسشنامه از اعتبار کافی برخوردار است.

جدول ۲. ضرایب آلفای کرونباخ متغیرها

مقیاس‌ها	سوالات	الفای کرونباخ
فقرزدایی	۱تا ۶	۰/۸۲۷
رشد کارآفرینی کشاورزی	۷تا ۱۲	۰/۷۳۶
قابلیت‌های کارآفرینی	۱۳تا ۲۹	۰/۷۸۱
سرمایه‌های نهادی	۳۰تا ۴۵	۰/۷۰۱
کل سوالات	۱ تا ۳۳	۰/۸۵۹

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

شهرستان گلپایگان با مساحتی حدود ۱۹۴۵کیلومترمربع بین ۵۹ درجه و ۴۹دقیقه تا ۲۲ درجه و۵۰ دقیقه طول شرقی و از ۲۰ درجه و ۳۳دقیقه تا ۳۷ درجه و ۳۳ دقیقه عرض شمالی در ۱۸۰ کیلومتری شمال غرب اصفهان قرار گرفته این شهرستان از شمال به شهرستان‌های محلات و خمین از استان مرکزی از جنوب به شهرستان‌های نجف‌آباد و خوانسار از شرق به بخش میمه و از غرب به الیگودرز از استان لرستان محدود می‌گردد. این شهرستان از یک بخش و سه شهر گلپایگان، گوگد و گلشهر و هفتاد پارچه آبادی تشکیل شده‌است و مرکز آن شهر تاریخی گلپایگان است که در فاصله ۱۹۰کیلومتری اصفهان قرار دارد.گلپایگان یکی از شهرهای بسیار قدیمی منطقه مرکزی کشور محسوب می گردد و در کتب تاریخی بنای این شهر به دوره مادها و همزمان با پیدایش اولین حکومت‌ها در لرستان و خوزستان و در آثار گذشتگان و مورخین قدمت این شهر به دوران پیش از ظهور اسلام نسبت داده شده‌است. سنگ‌نگاره‌های منطقه غرقاب واقع در شمال شرقی شهرستان از تمدن ۷۰۰۰ ساله در این شهرستان حکایت دارد و حمدا۰۰۰مستوفی در نزهت القلوب چنین آورده است که گلپایگان از بلاد اقلیم چهارم است، همای بنت بهمن کیانی آن را ساخت و گلپایگان نامید که اعراب آن را معرب کرده جرفادقان خواندند.

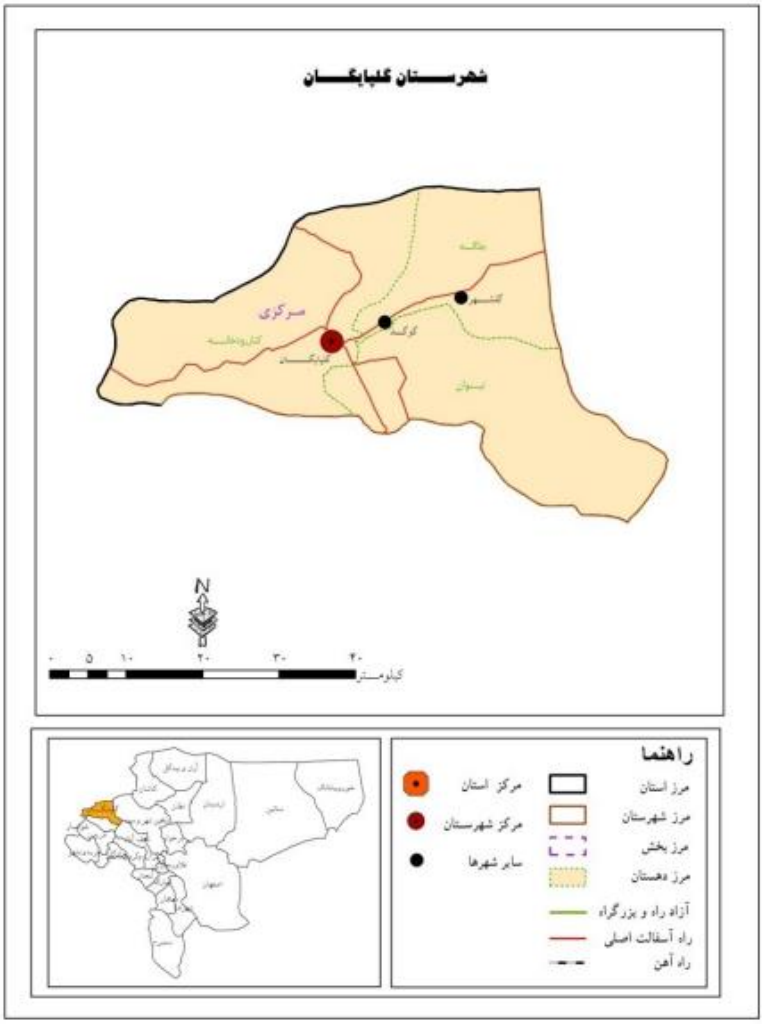

شکل ۱. نقشه موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

۴) یافته‌های تحقیق

نتایج آمار توصیفی و مشخصات جمعیت شناختی تحقیق اعم از وضعیت تاهل، میزان تحصیلات و سن پاسخ دهندگان به پرسشنامه بدین شرح است: ۶۰/۲۶ درصد پرسش شوندگان را مردان و ۳۴/۴۴ درصد را زنان تشکیل می دهند و مابقی افراد پاسخی به این سوال نداده اند .۶/۶۲ درصد از پاسخ دهندگان زیر دیپلم و ۴۳/۰۵ درصد دارای مدرک دیپلم و فوق دیپلم و۳۳,۱۱ درصد دارای مدرک کارشناسی و ۱۳,۱۹ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و نزدیک به ۲ درصد دارای مدرک دکترای بوده اند. ۱۵/۸۹ درصد از پاسخ دهندگان سن بین ۱۸ تا ۲۸ سال داشته و۳۱/۱۳ درصد بین ۲۸ تا ۳۸ سال و ۲۶/۴۹ درصد بین ۳۸ تا ۴۸ سال داشته و ۲۳/۱۶ درصد بین ۴۸ تا ۵۸ سال داشته و مابقی بالای ۵۸ سال بوده‌اند. در مورد شغل، ۶/۱۲ درصد از پاسخ‌دهندگان کارگر و ۳۳/۳۳ درصد کارمند و ۱۷درصد کشاورز و ۶/۸۰ درصد مهندس مرتبط و ۱۴/۹۷ درصد دارای شغل آزاد و ۶/۸۰ درصد بازنشسته و ۴۴/۵ درصد دانشجو و در حال تحصیل و۹/۵ درصد نیز خانه دار بوده‌اند. در رابطه با درآمد نیزگذشته از نزدیک به ۱۳ در صد از پاسخ دهندگانی که پاسخ نداده‌اند، نزدیک به ۵۸ درصد از پاسخ دهندگان دارای درآمد بالاتر از ۲۵۰۰۰۰۰هزار تومان بوده و مابقی کمتر از این عدد درآمد داشته‌اند.

قبل از هر گونه آزمونی که با فرض نرمال بودن داده‌ها صورت می‌گیرد باید آزمون نرمال بودن صورت گیرد. در این تحقیق نرمال بودن داده‌ها از طریق آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نیز بررسی شد. فرضیات این آزمون به دو صورت زیر است، که بزرگ‌تر و مساوی از ۰/۰۵ نشان‌دهنده نرمال بودن و کوچک‌تر از ۰/۰۵ نشان‌دهنده غیر نرمال بودن متغیر است.

H0: توزیع رتبه‌بندی در نمونه یکسان است (توزیع نرمال است).

H1: توزیع رتبه‌بندی در نمونه یکسان نیست (توزیع نرمال نیست).

در ادامه مقادیر آزمون مذکور بر طبق جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳. آزمون نرمال بودن سازه‌ها

سازه	تعداد	پارامترهای آزمون		سطح معنی‌داری	مقداره آماره
		میانگین	انحراف معیار		
قابلیت‌های کارآفرینی	۱۵۱	۳/۸۱	۰/۹۱۶	۰/۱۸	۰/۱۱۲۲
رشد کارآفرینی کشاورزی	۱۵۱	۳/۲۴	۰/۷۳۲	۰/۳۰	۰/۰۱۱
سرمایه نهادی	۱۵۱	۳/۱۱	۰/۸۷۳	۰/۱۶	۰/۱۷۱
فقر زدایی روستایی	۱۵۱	۳/۹۱	۰/۶۱۴	۰/۱۴	۰/۱۶۱

اگر مقدار سطح معنی‌داری (Sig) بزرگتر از مقدار خطا ۰/۰۵ باشد فرض صفر را نتیجه می‌گیریم و در صورتی که مقدار سطح معنی‌داری کوچکتر از مقدار خطا ۰/۰۵ باشد فرض یک را نتیجه می‌گیریم. چون مقدار سطح داری در تمامی متغیرها بزرگتر از مقدار خطای ۰/۰۵ است پس فرض صفر را نتیجه می-گیریم یعنی متغیرهای تحقیق همگی نرمال می‌باشند و لازم است از آزمون‌های پارامتری استفاده گردد.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

بررسی مدل تحقیق

ابتدایی‌ترین معیار برای سنجش رابطه بین سازه‌ها است در صورتی که مقدار عدد t بالا ۱/۹۶ باشد رابطه معنی‌دار است و فرضیه‌های پژوهش تائید می‌شود. ذکر این نکته نیز ضروری است که عدد معناداری فقط صحت روابطه بین سازه‌ها را نشان می‌دهد و شدت رابطه بین سازه‌ها را نمی‌توان با آن‌ها سنجید.

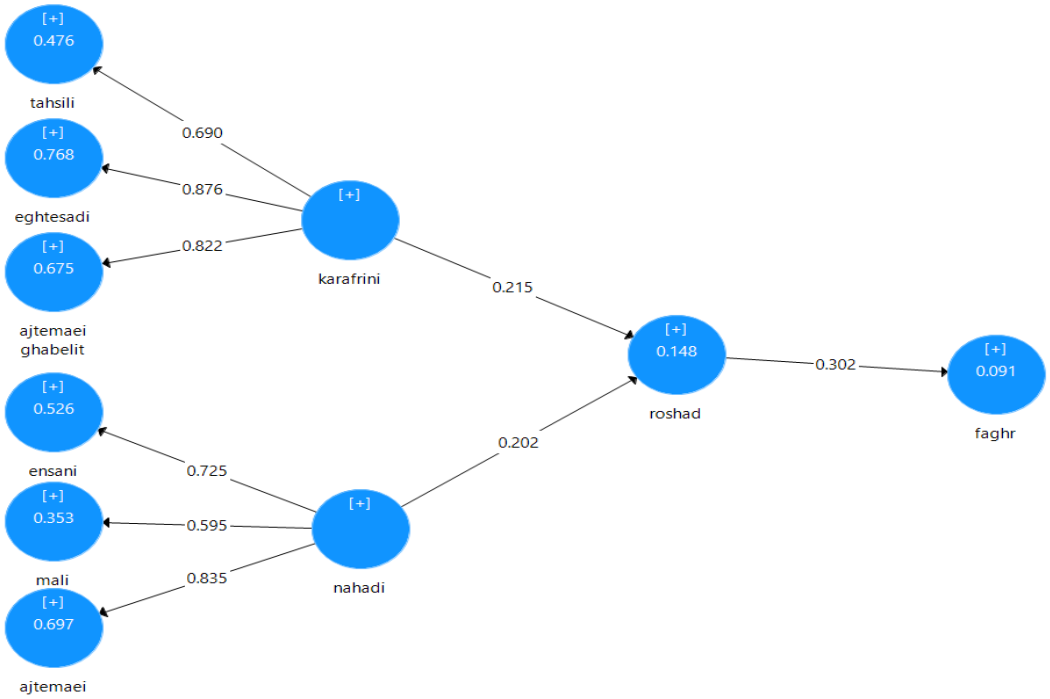

شکل ۲. مدل ساختاری پژوهش در حالت t

شکل (۲) نشان‌دهنده ارتباط بین متغیر های تحقیق است همان‌طوری که در نمودار حاصل از خروجی نرم‌افزار نشان داده شده است. در نهایت جهت نشان دادن اعتبار یافته‌های مدل تحقیق از شاخص‌های برازش مدل به روش حداقل مربعات جزیی استفاده شد. همان طور که در جدول (۴) مشاهده می شود مثبت بودن مقادیر اعتبار اشتراک و اعتبار حشو برای تمامی متغیرها در پژوهش حاضر نشانگر کیفیت مناسب و قابل قبول مدل اندازه گیری و ساختاری است. همانطور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود تمام مقادیر اعتبار اشتراک و حشو مثبت هستند که نشان‌دهنده کیفیت مناسب و قابل قبول مدل پژوهش حاضر می‌باشند.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

جدول ۴. برازش کلی مدل پژوهش

متغیرهای پژوهش	CV-Redundancy (Q2)	CV- Communality
قابلیت‌های کارآفرینی	۰/۰۹۶	۰/۰۳۹
رشد کارآفرینی کشاورزی	۰/۰۹۱	۰/۰۳۴
سرمایه نهادی	۰/۰۶۷	۰/۰۱۶
فقرزدایی روستایی	۰/۰۵۶	۰/۰۵۶

معیار GOF [1]مربوط به بخش کلی مدل است.که محقق می‌تواند پس از بررسی مدل‌های اندازه گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش خود را نیز بررسی و کنترل کند برای به دست آوردن این معیار باید میانگین مقادیر اشتراکی را ضرب در میانگین ضریب تعیین کرد و از عدد به‌دست آمده جذر گرفت تا عدد مربوط به معیار GOF به دست آید. وتزلس و همکاران[2](۲۰۰۹) سه مقدار ۰/۰۱ ، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی نموده‌اند.

$$GOF = \sqrt{communalities \times \overline{R}2}$$

$$GOF = \sqrt{0/70 \times 0/71} = \sqrt{0.50} = 0/71$$

که در این پژوهش مقدار محاسبه شده برای این معیار برابر با ۰/۷۱ محاسبه شده است که نشان از برازش کلی بسیار قوی است و مدل تائید می‌شود.

آزمون فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی اول

" قابلیت‌های کارآفرینی در رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی تاثیر مثبت و معنادار دارد."

در این فرضیه ارتباط بین متغیر قابلیت‌های کار آفرینی به عنوان متغیر مستقل بر رشد کمی و کیفی کار آفرینی کشاورزی به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفت. از آن جایی که مقدار آماره t به دست آمده در سطح اطمینان ۰/۹۵ بیشتر از ۱/۹۶ می باشد پس فرض عدم وجود ارتباط معنادار بین این دو متغیر رد شده و در نتیجه ارتباط مستقیم و معناداری از لحاظ آماری در این فرضیه وجود دارد.

فرضیه فرعی اول

" قابلیت تحصیلی در رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی تاثیر مثبت و معنادار دارد. "

در این فرضیه ارتباط بین متغیر قابلیت تحصیلی به عنوان متغیر مستقل بر رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفت. از آن جایی که مقدار آماره t به

1Goodness Of Fit (GOF)
2Wetzels & et al

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

دست آمده در سطح اطمینان ۰/۹۵ بیشتر از ۱/۹٦ می باشد. پس فرض عدم وجود ارتباط معنادار بین این دو متغیر رد شده و در نتیجه ارتباط مستقیم و معناداری از لحاظ آماری در این فرضیه وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم

" قابلیت اقتصادی در رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی تاثیر مثبت و معنادار دارد."

در این فرضیه ارتباط بین قابلیت اقتصادی به عنوان متغیر مستقل بر رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفت. از آن جایی که مقدار آماره t به دست آمده در سطح اطمینان ۰/۹۵ بیشتر از ۱/۹٦ می باشد. پس فرض عدم وجود ارتباط معنادار بین این دو متغیر رد شده و در نتیجه ارتباط مستقیم و معناداری از لحاظ آماری در این فرضیه وجود دارد.

فرضیه فرعی سوم

" قابلیت اجتماعی در رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی تاثیر مثبت و معنادار دارد."

در این فرضیه ارتباط بین قابلیت اجتماعی به عنوان متغیر مستقل بر رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفت. از آن جایی که مقدار آماره t به دست آمده در سطح اطمینان ۰/۹۵ بیشتر از ۱/۹٦ می باشد. پس فرض وجود ارتباط معنادار بین این دو متغیر رد شده و در نتیجه ارتباط معناداری از لحاظ آماری در این فرضیه وجود ندارد. لذا این فرضیه تحقیق رد می شود.

فرضیه اصلی دوم

" سرمایه‌های نهادی بر رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی تاثیر مثبت و معنادار دارد."

در این فرضیه ارتباط بین سرمایه‌های نهادی به عنوان متغیر مستقل رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفت. از آن جایی که مقدار آماره t به دست آمده در سطح اطمینان ۰/۹۵ بیشتر از قدر مطلق ۱/۹۶ می‌باشد پس فرض عدم وجود ارتباط معنادار بین این دو متغیر رد شده و در نتیجه به دلیل مقدار منفی آماره t، ارتباط غیر مستقیم و معناداری از لحاظ آماری در این فرضیه وجود دارد.

فرضیه فرعی چهارم

" سرمایه‌های انسانی بر رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی تاثیر مثبت و معنادار دارد.."

در این فرضیه ارتباط بین سرمایه‌های انسانی به عنوان متغیر مستقل بر رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفت. از آن جایی که مقدار آماره t به دست آمده در سطح اطمینان ۰/۹۵ بیشتر از ۱/۹٦ می باشد. پس فرض عدم وجود ارتباط معنادار بین این دو متغیر رد شده و در نتیجه ارتباط مستقیم و معناداری از لحاظ آماری در این فرضیه وجود دارد.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

فرضیه فرعی پنجم

" سرمایه‌های اجتماعی بر رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی تاثیر مثبت و معنادار دارد."

در این فرضیه ارتباط بین سرمایه‌های اجتماعی به عنوان متغیر مستقل بر رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفت. از آن جایی که مقدار آماره t به دست آمده در سطح اطمینان ۰/۹۵ بیشتر از ۱/۹٦ می باشد. پس فرض عدم وجود ارتباط معنادار بین این دو متغیر رد شده و در نتیجه ارتباط مستقیم و معناداری از لحاظ آماری در این فرضیه وجود دارد.

فرضیه فرعی ششم

" سرمایه‌های مالی بر رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی تاثیر مثبت و معنادار دارد."

در این فرضیه ارتباط بین سرمایه‌های مالی به عنوان متغیر مستقل بر رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفت. از آن جایی که مقدار آماره t به دست آمده در سطح اطمینان ۰/۹۵ بیشتر از ۱/۹٦ می باشد. پس فرض عدم وجود ارتباط معنادار بین این دو متغیر رد شده و در نتیجه ارتباط مستقیم و معناداری از لحاظ آماری در این فرضیه وجود دارد.

فرضیه اصلی سوم

" رشد کارآفرینی کشاورزی بر فقر زدایی روستایی تاثیر مثبت و معنادار دارد.."

در این فرضیه ارتباط بین رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی به عنوان متغیر مستقل بر فقرزدایی روستایی به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفت. از آن جایی که مقدار آماره t به دست آمده در سطح اطمینان ۰/۹۵ بیشتر از ۱/۹۶ می باشد پس فرض عدم وجود ارتباط معنادار بین این دو متغیر رد شده و در نتیجه ارتباط مستقیم و معناداری از لحاظ آماری در این فرضیه وجود دارد.

۵) نتیجه‌گیری

در فرضیه تاثیر قابلیت‌های کارآفرینی بر رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی، فاکتورهای قابلیت-های کارآفرینی در سه حوزه قابلیت تحصیلی، قابلیت اقتصادی و قابلیت اجتماعی و همچنین فاکتورهای رشد کارآفرینی کشاورزی در دو حوزه رشد کمی و رشد کیفی مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی مدل اندازه‌گیری متغیرها نشان می دهد که فاکتورهای مرتبط با قابلیت‌های کارآفرینی (قابلیت تحصیلی، قابلیت اقتصادی و قابلیت اجتماعی) با رشد کارآفرینی کشاورزی رابطه مستقیم دارد. در واقع می توان چنین نتیجه‌گیری کرد که با بهبود فاکتورهای مرتبط با قابلیت‌های کارآفرینی فاکتورهای ارتباط با رشد کارآفرینی کشاورزی نیز بهبود می یابند. در فرضیه تاثیر قابلیت تحصیلی بر رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی، فاکتورهای قابلیت تحصیلی در دو حوزه دانش و مهارت و همچنین فاکتورهای رشد کارآفرینی کشاورزی در دو حوزه رشد کمی و رشد کیفی مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی مدل اندازه‌گیری متغیرها نشان می دهد که فاکتورهای مرتبط با قابلیت‌های تحصیلی (دانش و

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

مهارت) با رشد کارآفرینی کشاورزی رابطه مستقیم دارد. در واقع می توان چنین نتیجه‌گیری کرد که با بهبود فاکتورهای مرتبط با قابلیت‌های تحصیلی، فاکتورهای ارتباط با رشد کارآفرینی کشاورزی نیز بهبود می‌یابند. در فرضیه تاثیر قابلیت اقتصادی در رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی، فاکتورهای قابلیت اقتصادی در سه حوزه بازاریابی، فناوری‌های مدرن و استراتژی‌های مدیریت و همچنین فاکتورهای رشد کارآفرینی کشاورزی در دو حوزه رشد کمی و رشد کیفی مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی مدل اندازه‌گیری متغیرها نشان می‌دهد که فاکتورهای مرتبط با قابلیت‌های اقتصادی (بازاریابی، فناوری‌های مدرن و استراتژی‌های مدیریت) با رشد کارآفرینی کشاورزی رابطه مستقیم دارد. در واقع می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که با بهبود فاکتورهای مرتبط با قابلیت‌های اقتصادی، فاکتورهای ارتباط با رشد کارآفرینی کشاورزی نیز بهبود می‌یابند. ادبیات مربوط به رابطه بین عوامل اقتصادی و رشد کارآفرینی مثبت شناخته شده است. گذار از یک اقتصاد دستوری به یک اقتصاد بازار محور به دنبال اصلاحات و سیاست‌های درهای باز مردم را قادر خواهد ساخت تا حد زیادی بر فقر اقتصادی غلبه کنند. در فرضیه تاثیر قابلیت اجتماعی در رشد کمی و کیفی کارآفرینی کشاورزی، فاکتورهای قابلیت اجتماعی در سه حوزه آزادی بیان، گشودگی و آزادی در تصمیم‌گیری و شفافیت در مدیریت و همچنین فاکتورهای رشد کارآفرینی کشاورزی در دو حوزه رشد کمی و رشد کیفی مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی مدل اندازه‌گیری متغیرها نشان می‌دهد که فاکتورهای مرتبط با قابلیت‌های اقتصادی (آزادی بیان، گشودگی و آزادی در تصمیم‌گیری و شفافیت در مدیریت) با رشد کارآفرینی کشاورزی رابطه مستقیم دارد. در واقع می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که با بهبود فاکتورهای مرتبط با قابلیت‌های اجتماعی، فاکتورهای ارتباط با رشد کارآفرینی کشاورزی نیز بهبود می‌یابند. همان طور که بحث شد قابلیت اجتماعی از سه منظر آزادی بیان، گشودگی و آزادی در تصمیم‌گیری و نیز شفافیت در مدیریت بررسی شده است. در نمونه مورد بررسی این تحقیق که شامل کارآفرینان دهستان‌های شهرستان گلپایگان است، کارآفرینی در بخش کشاورزی معمولا تنها با نیت فردی صورت نمی‌گیرد. به بیان دیگر افراد تنها به دنبال منفعت شخصی نبوده و در واقع برای ارتقا رفاه انسان، آزادی و فرهنگ بهتر، مشارکت در تصمیم‌گیری آزاد، فعالیت‌های کارآفرینی را ارتقا می‌دهند. در تحقیق اریک یاو نمیسه (۲۰۱۶) در مورد تاثیر توانایی‌های کارآفرینانه مزرعه بر رشد کارآفرینی مشخص شد که توانایی‌های فرهنگی-اجتماعی به طور قابل توجهی بر رشد کارآفرینی تاثیر مثبت می‌گذارد که با نتایج تحقیق حاضر همخوانی دارد. همچنین جینکای ژوانگ (۲۰۱۷) که در پژوهش خود تاثیر توانایی های فردی بر کارآفرینی را بررسی نموده است این گونه نتیجه می گیرد که این تاثیر به صورت مثبت وجود داشته و باعث افزایش فعالیت های کارآفرینانه شده و در نتیجه مشابه با نتایج تحقیق حاضر است. ورهول و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود نشان می‌دهند که آموزش انباشت سرمایه انسانی را برای توسعه تسهیل می‌کند و همچنین می‌تواند منجر به بهبود بهره برداری های کارآفرینی توسط افراد شود. موهاپاترا و همکاران (۲۰۰۷) در تحقیق خود بر این نظر هستند که نمی توان بیش از حد بر نقش آموزش در کمک به رشد تأکید کرد. اما می‌توان گفت کسب دانش و مهارت از طریق آموزش، افراد را

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

برای پیشرفت در طول زندگی کمک می‌کند. آتریدو و هالوارد-دریمر (۲۰۱۱) با استفاده از داده‌های جنوب صحرای آفریقا شکاف جنسیتی در کارآفرینی را بررسی کردند. آن‌ها دریافتند که آموزش با بهره وری بالاتر پیوند مثبتی دارد که پس از آن بر کاهش فقر تأثیر می‌گذارد. همان طور که مشاهده می‌شود نتایج تحقیق حاضر نیز با نتایج سابقه پژوهش‌ها مشابهت دارد. هوانگ و همکاران (۲۰۱۴)، در یک مطالعه در ویتنام، دریافت که افزایش فعالیت‌های اقتصادی ناشی از فعالیت‌های غیرکشاورزی به رشد کارآفرینی کمک می‌کند. ویور و همکاران (۲۰۱۴) با استفاده از ۲۶۴ داده نظرسنجی در چین، تأثیر چهار قابلیت را در مراحل فرآیند نوآوری بررسی کرد و دریافت که شرکت‌ها معمولاً برای بهبود عملکرد شرکت، نوآوری‌های مدیریتی را تسهیل می کنند که توسط قابلیت‌های اقتصادی تسهیل می‌شود. با توجه به موارد فوق، فرض بر این است که توانایی‌های اقتصادی کارآفرینان می‌تواند به افزایش درآمد کمک کند. در واقع آنچه مشهود است اینکه نتایج تحقیق حاضر نیز با نتایج سابقه پژوهش ها مشابهت دارد. یوان و ژو (۲۰۱۵) تأثیرات فرهنگ را بر خلاقیت گروهی بررسی کردند و دریافتند که فرهنگ با تأثیرگذاری بر وظایف شناختی افراد در مدیریت، بر خلاقیت گروه تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، بارون و همکاران (۲۰۱۶) بررسی کردند که چگونه کنترل نفس در یک زمینه فرهنگی اجتماعی بر عملکرد تجاری تأثیر می‌گذارد. آنها دریافتند که کنترل خویشتن کارآفرینان را ترغیب می کند تا اهداف قابل دستیابی را تعیین کنند. فریرا و همکاران (۲۰۱۵) نیز در تحقیقات خود به نتیجه دست یافتند که شبکه‌های اجتماعی و ارزش های فرهنگی به عنوان محرک نوآوری در رشد تجارت هستند. افتخاری و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که از طریق کارآفرینی روستایی به ویژه در بخش کشاورزی، می‌توان با شناسایی مزیت‌ها، محدودیت‌ها، ضعف‌ها و قوت‌های جوامع روستایی براساس برنامه‌ریزی راهبردی مناسب، به توسعهٔ اقتصادی روستایی در کنار سایر ابعاد کمک کرد. که این گفته ها و تحقیقات با نتایج یافته شده از فرضیه اصلی سوم تحقیق حاضر مشابهت دارد. از محدودیت-های این پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- منابع مربوط به قابلیت‌های کارآفرینی بسیار محدود بوده و پیشینه پژوهش کافی در این زمینه کمتر دیده شد؛
- ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه بوده است و پرسشنامه خود دارای محدودیت ذاتی است؛
- نگرش بعضی از پرسش شوندگان نسبت به تحقیقات دانشگاهی مناسب نبوده و بعضاً همکاری لازم جهت پر کردن پرسشنامه‌ها انجام نشد؛
- عدم دسترسی آسان به جامعه آماری مورد نیاز جهت تکمیل کردن پرسشنامه نیز از دیگر محدودیت-های این تحقیق بوده است؛ و
- محدود بودن زمان پژوهش که موجب کاهش دقت و توان علمی برای پژوهش می‌شود.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

۶) منابع

- الهه راستگو، (۱۳۸۰). **کارآفرینی، منافع اجتماعی حاصل از آن، محدودیت‌ها و سیاست‌ها** مرداد ۱۳۸۰، صفحه ۳-۵.
- حسینی‌نیا، غلامحسین؛ پوریا، عطایی و احمد یعقوبی‌فرانی. (۱۳۹۶). **ارزیابی مهارت‌ها و ویژگی‌های کارآفرینانهٔ دانشجویان و تأثیر آن بر قصد کارآفرینی (مورد مطالعه: مراکز آموزش علمی ـ کاربردی مهارت)**، فصلنامه آموزش مهندسی ایران، دوره ۱۹، شماره ۷۳، صفحه ۲۵-۴۴.
- دیوسالار، اسداله؛ نقوی، محمدرضا. (۱۳۹۱). **بررسی عوامل مؤثر در موفقیت کارآفرینان روستایی از بعد اجتماعی نمونه موردی: دهستان میانکاله شهرستان بهشهر**، آمایش جغرافیای فضا، دوره ۲، شماره ۴، صفحه ۹۴-۷۶
- سمندرحبشی, امامعلی و محمدرضا کاباران زادقدیم (۱۳۹۳) **بررسی تاثیر آموزش کارآفرینی بر توسعه کارآفرینی مطالعه موردی: مراکز آموزش فنی و حرفه ای شهرستان پارس آباد**، کنفرانس بین المللی توسعه و تعالی کسب و کار، تهران، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.
- سجاسی قیداری، حمدالله؛ حمیده محمودی ؛ فهیمه جعفری. (۱۳۹۶). **تحلیل مهارت‌های کارآفرینی زنان در مناطق روستایی (مورد مطالعه: روستاهای بخش مرکزی شهرستان فریمان)**، فصلنامه پژوهش های روستایی، دوره ۸، شماره ۲، صفحه ۲۴۲-۲۶۳
- شیخان، ناهید و حجت‌اله رضازاده، ۱۳۸۲، **بررسی تجارب کشورها در زمینه توسعه و ترویج کارآفرینی**، صفحات ۸- ۱ .
- علوی‌زاده، سید امیرمحمد. (۱۳۹۶). **کارآفرینی و نقش آن در توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: استان ایلام)**، فرهنگ ایلام دوره ۱۸ پاییز و زمستان ۱۳۹۶ شماره ۵۶ و ۵۷.
- فکری، کاترین؛ عبدالله شفیع آبادی، رحمت‌الله نورانی، پور قدسی احقر. (۱۳۹۱). **ساخت و اعتباریابی پرسشنامه مهارت های کارآفرینی**، پژوهشنامه تربیتی سال هفتم تابستان ۱۳۹۱ شماره ۳۱.
- مردانشاهی، محمد مهدی و نظام‌زاده، سیداسماعیل. (۱۳۹۷). **شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر قابلیت کارآفرینی زنان روستایی: مطالعهٔ موردی زنان کارآفرین روستاهای شهرستان بهشهر**، فصلنامه علمی پژوهشی روستا و توسعه، دوره ۲۱، شماره ۲ - شماره پیاپی ۸۲، صفحه ۷۵-۹۶.
- Alvareza, S.A. and Busenitz, L.W. 2001, **The entrepreneurship of resource-based theory**, *Journal of Management*, Vol. 27 No. 6, pp. 755-776.
- Brinckmann, J. 2008, **Competence of Top Management Teams and the Success of New Technology Based Firms** :A Theoretical and Empirical Analysis Concerning Competencies of Entrepreneurial Teams and the Development of Their Ventures, Wiesbaden
- Brush, C.G., Greene, P.G. and Hart, M.M. 2001, **From initial idea to unique advantage: the entrepreneurial challenge of constructing a resource base**, *Academy of Management Executive*, Vol. 15, pp. 64-78.
- Burt, R.S. 1992, **Structural Holes: The Social Structure of Competition**, Harvard University Press,
- Cambridge.
- Capaldo, G., Iandoli, L. and Ponsiglione, C. 2004. **Entrepreneurial competencies and training needs of small firms**, 14th Annual IntEnt Conference, Napoli.
- Chiles, T.H., Bluedorn, A.C. and Gupta, V.K. 2007, **Beyond creative destruction and entrepreneurial discovery: a radical Austrian approach to entrepreneurship**, *Organization Studies*, Vol. 28 No. 4, pp. 467-493.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]

- Coleman, J.S. 1988, **Social capital in the creation of human capital**, *American Journal of Sociology*, Vol. 94, pp. S95-S120.
- Gupta, V.K., Yayla, A., Sikdar, A. and Cha, M.S. 2012, **Institutional environment for entrepreneurship: evidence from the developmental states of South Korea and United Arab Emirates**, *Journal of Developmental Entrepreneurship*, Vol. 17 No. 3.
- Gürol, Y., & Atsan, N. 2006. **Entrepreneurial characteristics amongst university students:** Some insights for entrepreneurship education and training in Turkey.
- Hmieleski, K. M., & Corbett, A. C. 2006. **Proclivity for improvisation as a predictor of entrepreneurial intentions .**Journal of Small Business Management, 44, 45–63.
- Hisrich, Robert D, peters Michael p. 2002, **Entrepreneurship**. Tata MC raw grawhill publishing company limited.
- Kuratko, D. 2016. **Entrepreneurship: Theory, process, and practice**. Cengage Learning.
- Krueger, N., Reilly, M., & Carsrud, A. 2000. **Competing models of entrepreneurial intentions**. Journal of Business Venturing, 15(5–6), 411–432.
- Li, Y. 2009, **Emotions and new venture judgment in China**, *Asia Pacific Journal of Management*. doi: 10.1007/s10490-010-9193-9.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.38.4.8]